

## نبرد بر سر آینده ایران را چه کسی خواهد برد؟ اول ماه مه: انقلاب کمونیستی تنها راه نجات بشریت است!

خیزش بی نظیری که شش ماه ایران را لرزاند و با حجاب سوزان زنان و شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» چشم جهانیان را خیره کرد، نه یک خیزش معمولی بلکه آغاز دوره ای است که پایان آن را تغییرات تکان دهنده در ایران با تأثیراتی جهانی رقم خواهد زد. سوال این جاست که آیا مانند تغییر سال 1357 یک «جا به جایی از بالا» صورت گرفته و یک رژیم ارتجاعی دیگر، با سبک و سیاقی دیگر، به قدرت خواهد رسید و چرخه ویرانگر سیستم سرمایه داری تداوم خواهد یافت؟ یا یک تغییر انقلابی حاکم شده و به نوبه خود، محرک بلند شدن موج جدیدی از جنبش های رهایی بخش ضد سرمایه داری امپریالیستی و انقلاب های کمونیستی در جهان خواهد شد؟ برای کدام راه باید جنگید؟

هرکس خواهان جهان دیگری است نمی تواند نسبت به این مسئله بی تفاوت باشد. همه ما تحت یک سیستم واحد سرمایه داری جهانی زندگی می کنیم و همین واقعیت است که انقلاب در ایران را با آینده جهان متصل می کند. سیستم سرمایه داری- امپریالیستی، شکاف دهشتناکی در دنیا ایجاد کرده است که میلیارد ها انسان در «جنوب جهانی» بیرحمانه و تحت رژیم های استبدادی خون آشام مانند جمهوری اسلامی استثمار می شوند تا رفاه و نیک بختی و دموکراسی در «شمال جهانی» برای چند صد میلیون نفر، تأمین شود. این سیستم، در حال راندن دنیا به سمت یک جنگ هسته ای میان قدرت های سرمایه داری- امپریالیستی «غرب» و «شرق» است. امروز جنگ اوکراین یک نقطه اشتعال جنگ میان آنهاست و فردا می تواند در تایوان شعله ور شود. این سیستم، محیط زیست را به طرز غیرقابل ترمیمی نابود کرده است. این سیستم جمعیت مونث بشر را تبدیل به برده های قرن بیست و یکم کرده است. آیا همین ها کافی نیست که با انقلاب های کمونیستی، جهان را هرچه زودتر از شر سرمایه داری خلاص کنیم؟

جدال بر سر آینده ایران از این زاویه برای همه انسان هایی که جهان دیگری می خواهند اهمیت دارد. در ایران امروز، مانند همه تلاطم های اجتماعی مهم و به ویژه هنگامی که ظرفیت یک انقلاب در افق نمایان می شود، نیروهای سیاسی بورژوایی فعالانه وارد گود شده اند تا مهار اوضاع را در دست گرفته و آلترناتیوهای ارتجاعی خود را تحمیل کنند. به طور مثال، مومیایی های رژیم کهنه و سرنگون شده شاه سر از گور در آورده و با پرچم شان که آغشته به خون چند نسل از مبارزین ایران است، صحنه اعتراضات ایرانیان در خارج از کشور را اشغال کرده اند. این ها سودای احیای همان رژیم را دارند که با کودتای امپریالیست های بریتانیا و آمریکا در سال 1332 به قدرت رسید و از طریق کشتار و شکنجه و زندان مخالفین خود حکومت کرد. در سال 1357-1356 (1978-1979) هنگامی که یک خیزش توده ای برای سرنگونی رژیم شاه بلند شد، اتفاق مشابهی افتاد. یعنی، نیروهای سیاسی که منافع بخشی از بورژوازی ایران را نمایندگی می کردند، وارد گود شدند تا انقلاب را تبدیل به ضد انقلاب کنند و در نهایت، با شگرد و حيله و حمایت امپریالیست های ایالات متحده آمریکا، مهار آن انقلاب را در دست گرفتند و با استقرار جمهوری اسلامی، ایران را به جهنمی تبدیل کردند که امروز شاهدش هستیم. در آن مقطع، امپریالیست های ایالات متحده آمریکا در ابتدا، در مقابل خیزش مردم از رژیم شاه حمایت کردند. اما خیلی زود دست به چرخشی زدند تا فرآیندی را که می توانست به یک انقلاب واقعی بینجامد کوتاه کنند. زیرا، هرچه آن فرآیند طولانی تر می شد، مردم به ویژه کارگران و حاشیه نشینان شهرها و زحمتکشان روستا از زن و مرد، می توانستند در عمل و همچنین از طریق بحث و جدل، با برنامه های مختلف و نیروهای مختلفی که راه حل های متفاوت را برای آینده جامعه نمایندگی می کردند آشنا شوند و از آنها سر در بیاورند و هرچه آگاهانه تر در یک انقلاب واقعی شرکت کنند.

در خیزش کنونی نیز ضرورت کسب این نوع آگاهی ای به شدت خودنمایی می کند. هرچند که این خیزش، در فاصله چندماه، با شعارهایش، با حجاب سوزناپذیر، با پیوستن افشار مختلف به یکدیگر، با ابراز انزجار از تبعیض علیه ملل تحت ستم و تاجر دینی و آل.جی.بی.تی کیو ... تغییرات بزرگ در زمینه فرهنگ و اخلاق عدم تحمل ستم را به وجود آورد. هرچند که، بنا به اعتراف شمار زیادی از افراد شناخته شده جمهوری اسلامی، خیزش مردم توان و حق حاکمیت این رژیم را به طرز بی سابقه ای به خاک کشید. اما تا انقلاب فاصله زیادی داریم و خطرات عدیده ای بر سر راه است. پس نگاهی کنیم به کلیات تغییراتی که رخ داده و تغییرات ضروری و حیاتی که رخ نداده است.

رژیم هنوز قوی است! اما، بزرگترین موانع در گذر کردن خیزش به یک انقلاب واقعی، موانع ذهنی است. هنوز توهمات بزرگی حاکم است و اکثر مردم فکر می کنند انقلاب مترادف با «تغییر رژیم» است. در حالی که اگر به جای بنیادگرایان اسلامی، حکومتی تحت نام جمهوری یا سلطنت به قدرت برسد که نظام سرمایه داری را این بار بدون جمهوری اسلامی تحکیم کند، این انقلاب نیست. رک و صریح: انقلاب سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و تمام دستگاه حاکمیت نظامی و دولتی و نهادهای ایدئولوژیک آن در یک مبارزه همه جانبه و سازمان یافته میلیون ها انسان آگاه، با هدف استقرار دولت سوسیالیستی است.

موانع ذهنی فقط مربوط به افکار خود به خودی حاکم در میان مردم نیست. حزب ما، به اندازه کافی بدیل انقلاب سوسیالیستی را به آن صورت که در «قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین ایران» ترسیم شده است، پیش نگذاشته است. در حالی که نقطه شروع همه فعالیت های ما را باید مسئله ضرورت انقلاب، انقلاب چیست و چه چیزی را می طلبد و چه چیزی را نداریم و باید داشته باشیم، تشکیل دهد. «انقلاب های بدون رهبری» هرگز وجود نداشته است. بورژوازی با واسطه جریان های خرده بورژوایی این دروغ را تبلیغ می کند تا بتواند، اوضاع را تحت رهبری خودش بیاورد. وقوع خیزش عرصه های جدیدی را برای جذب پایه برای این انقلاب و خط و استراتژی انقلاب کمونیستی فراهم کرده است.

این یک الفبا است که ایران نیازمند یک انقلاب واقعی است. و این یک حقیقت پایه ای است که ما در ایران و تمام دنیا، تحت یک سیستم واحد سرمایه داری جهانی زندگی می کنیم و این سیستم باید برود! عصر انقلاب های بورژوازی به سر رسیده و جامعه ما نیازمند **انقلاب پرولتری** است. پرولتری یا کمونیستی بودن خصلت انقلاب، به معنای آن نیست که انقلاب «مال» کارگران است یا عمدتاً کارگران برایش می جنگند. بلکه به این معنا است که انقلاب ضروری برای جامعه و جهان امروز، ریشه در اساسی ترین و گسترده ترین منافع طبقه پرولتاریا دارد که عبارتست از پیشبرد جامعه به سمت کمونیسم و رهایی تمام بشریت از نظام طبقاتی و شرارت های آن.

پس، اگر نمی خواهید صرفاً فعال این جنبش و آن جنبش باشید و می خواهید برای «همه و همه چیز» بجنگید و زندگی خود را وقف آن کنید نیاز دارید که به حزب ما بپیوندید تا با هم به طور کلکتیو، از فرصت بزرگی که خیزش مردم ایران به وجود آورده است، استفاده کنیم و در این راه گام های سریع و بلند برداریم.

تمام رخدادهای ایران، بر بستر یک اوضاع بین المللی منحصر به فرد رخ می دهد: اوضاع جهان متلاطم است و همه روابط قدرت و ساختارهای فرمانروایی نظام سرمایه داری امپریالیستی که در هفتاد سال گذشته بر جهان حاکم بودند، در حال از هم گسیخته شدن هستند. این جهان برای میلیاردها انسان جهنم است ولی قدرت های امپریالیستی وعده تندتر کردن آتش این جهنم را می دهند. در مقابل این وضع نه فقط کسانی که پیشاپیش در جهنم هستند بلکه آنها که در موقعیت بهتر قرار دارند، باید بسیج شوند. ما دو آینده در پیش داریم و حد متوسطی متصور نیست: یا انقلاب یا آینده ای بدتر.

### انقلاب نیاز به ده ها هزار رهبر استراتژیک دارد

در دست گرفتن و به کار بستن علم **کمونیسم نوین** و آموختن از معمار آن باب آوکیان که مارکس دوران ماست، فقط ضرورتی برای عده ای کادر کمونیست نیست. بلکه برای کسانی که تحت شدیدترین و بیرحمانه ترین شکل های استثمار و ستم های اجتماعی هستند مانند آب و هوا است. زیرا این ها هستند که باید ستون فقرات و نیروی محرکه انقلاب کمونیستی بشوند و برای این که ستون فقرات و نیروی محرکه این انقلاب بشوند، باید بتوانند با واقعیت های جامعه و جهان آن طور که هست مواجه شده و تغییرش دهند. این امر فقط با داشتن تئوری ای که **سنگ بنایش روش و رویکرد علمی نسبت به درک واقعیت و تغییر آن است، ممکن می باشد. یعنی، با کمونیسم نوین و نه هیچ چیز دیگر.**

مردم ما در ایران، افغانستان، ترکیه، بنگلادش، آمریکا، اوکراین و ... بیش از هر چیز نیازمند کسانی هستند که برای رهایی بشریت مبارزه کنند. همه دنیا چنین تغییری را طلب می کند و این ضرورت به شکل انفجاری در خیابان های ایران به نمایش در آمده است. ما چیزی برای از دست دادن نداریم جز **زنجیرهایمان اما جهانی برای فتح داریم!**

Cpimlm.org

<https://instagram.com/cpimlm>



constitution pdf



manifest pdf